

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۹/۱۶



احمد فواد ارسال

به دام لعلزاد نیافتید: تاریخ افغانستان قابل محو شدن نیست



به اصطلاح «۵۰۰ منبع» غیر مرتبط لعلزاد کار علمی نیست؛ این یک کمپاین عمدی تبلیغاتی است. لعلزاد با سوءنیت و حساب شده همان دروغ‌های کهنه استعماری بریتانیا و تبلیغات امروزی پاکستان و ایران را تکرار می‌کند: که افغانستان گویا تاریخی ندارد، که ناگهان در قرن نهم یا بیستم پدیدار شده، و اینکه افغان‌ها باید در مورد هویت ملی خود شک کنند. این یک اجندای زهرآلود است که هدفش تقسیم ما، تضعیف وحدت ما، و محو عزت ما به عنوان یک ملت می‌باشد.

اما خود تاریخ، ادعای او را نابود می‌کند. افغانستان ساخته عبدالرحمن خان یا امان‌الله خان نیست. افغانستان ادامه هزاران سال تمدن، امپراتوری و دولت‌سازی در این جغرافیا است.

ریشه‌های باستانی که انکار شدنی نیست

مدت‌ها پیش از عبدالرحمن خان، این سرزمین مرکز تمدن‌های شکل‌دهنده جهان بود. امپراتوری غزنوی قدرت را تا هند و فارس گسترش داد و غزنی را به یک مرکز بزرگ سیاسی و فرهنگی بدل کرد. غوری‌ها امپراتوری وسیعی ساختند که سراسر افغانستان و شمال هند را در بر گرفت. پیش از آن‌ها، کوشانی‌ها، هفتالی‌ها و ده‌ها دولت باستانی دیگر در اینجا شکوفا شدند.

انکار این دودمان‌ها به عنوان «تاریخ افغانستان» مسخره است. با همین منطق باید تاریخ مقدس روم را از ایتالیا، یا تاریخ جرمن‌ها را از جرمنی یا تاریخ گول را از فرانسه جدا دانست—چون دولت‌های مدرن آن‌ها بعدتر تأسیس شدند.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

از هوتکی تا درانی: شکل‌گیری افغانستان مدرن

قیام میرویس هوتک علیه صفویان یک حادثه تصادفی نبود. این یک اعلامیه حاکمیت افغان‌ها بود. امپراتوری احمدشاه درانی یک اتفاق نبود؛ این آفرینش آگاهانه یک دولت مقتدر افغان بود که به یکی از بزرگترین قدرت‌های عصر خود مبدل شد. این‌ها پایه‌های افغانستان مدرن‌اند.

و بلی—ما باید افتخار کنیم. به هوتکی‌ها افتخار کنیم، به درانی‌ها افتخار کنیم، و بالاتر از همه به شاه امان‌الله خان افتخار کنیم که بزرگترین پیروزی قرن بیستم افغان‌ها را به دست آورد: استقلال کامل در سال ۱۹۱۹. برای دهه‌ها، طبق معاهده ننگین گندمک، افغانستان به یک دولت محافظت‌شده بریتانیا تقلیل یافته بود و حق سیاست خارجی خود را نداشت. امان‌الله این زنجیرها را در جنگ سوم افغان-انگلیس درهم شکست و عزت افغانستان را به‌عنوان یک ملت آزاد بازگرداند. این تولد افغانستان نبود—این بازپس‌گیری حاکمیتی بود که از دیرباز از آن افغان‌ها بود.

مسئله اصلی: مداخلات استعماری، نه فقدان تاریخ

وقفه واقعی در تاریخ افغانستان از نبودن تاریخ ناشی نشد، بلکه از اشغال و مداخلات خارجی به وجود آمد. از جنگ‌های انگلیس و افغان تا مرزبندی‌ها و دستکاری‌های دیپلماتیک بریتانیا، افغانستان به‌خاطر موقعیت ستراتیژیک هدف قرار گرفت—نه چون تاریخ نداشت، بلکه چون همیشه یک نیروی مستقل در میان امپراتوری‌ها بود. لعل‌زاد عمداً این حقیقت را پنهان می‌کند و ترجیح می‌دهد همان روایت استعماری بریتانیا و وسواس دائمی پاکستان و ایران برای انکار ملت افغانستان را تکرار کند.

مقایسه‌های تاریخی که دروغ را بر ملا می‌کند

هیچ‌کس گذشته‌های باستانی دولت‌های مدرن دیگر را انکار نمی‌کند:

- آلمان در سال ۱۸۷۱ متحد شد، اما امپراتوری، پروس و قبایل ژرمنی مانند گوت‌ها میراث افتخارآمیز آن هستند.
- فرانسه خود را به روم باستان (گال) و پادشاهی فرانک‌ها و شارلمانی پیوند می‌زند.
- ایتالیا در سال ۱۸۶۱ دولت شد، اما امپراتوری روم هنوز هویت بزرگ آن است.
- ترکیه در ۱۹۲۳ تأسیس شد، اما عثمانی‌ها، بیزانسی‌ها و حتی هیتی‌ها بخشی از تاریخش شمرده می‌شوند.

اگر آلمان، فرانسه، ایتالیا و ترکیه می‌توانند هزاران سال میراث خود را با نام‌های مدرن حفظ کنند، چرا افغانستان—که سرزمین امپراتوری‌های بزرگ بوده—باید از آن محروم شود؟ تنها یک دشمن افغانستان چنین ادعایی می‌کند.

خطر استدلال لعل‌زاد

کمپاین لعل‌زاد چیزی نیست جز بازیافت تبلیغات بریتانیا و پاکستان، و ایران که برای مبهم ساختن فکر افغان‌ها و شکستن وحدت‌شان به کار می‌رود. با زیر سؤال بردن گذشته افغانستان، او می‌خواهد افغان‌ها را از غرور، اعتماد به نفس و آینده‌شان محروم کند. پذیرش سخنان او یعنی تسلیم دوباره به زنجیرهای استعمار.

نتیجه‌گیری

تاریخ افغانستان با قرن نوزدهم آغاز نمی‌شود. این تاریخ هزاران سال طولانی دارد، پر از امپراتوری‌ها، دودمان‌ها و مبارزات برای حاکمیت. مسئله اصلی این نیست که افغانستان تاریخ داشته یا نداشته—مسئله اصلی این است که آیا ما به دشمنان وحدت ملی اجازه می‌دهیم این تاریخ را محو و تحریف کنند.

ما باید به تاریخ خود افتخار کنیم—به هوتکی‌ها که علیه امپراتوری ایران صفوی قیام کردند، به درانی‌ها که امپراتوری ساختند، و به امان‌الله خان که استقلال کامل را از وضعیت حقارت‌بار محافظت‌شده به‌دست آورد. افغانستان، مانند آلمان، فرانسه، ایتالیا یا ترکیه، پشت سر نام مدرن خود، هزاران سال تاریخ و امپراتوری دارد.

وظیفهٔ امروز ما اثبات تاریخ نیست—بلکه دفاع از آن، پذیرش آن، و نرفتن به دام لعل‌زاد و محوکنندگان تاریخ است.

تاریخ افغانستان تاریخ آفرینش نیست، تاریخ پایداری است. و هیچ تبلیغات استعماری یا پاکستانی و ایرانی نمی‌تواند آن را محو کند.

آرشیف: مطالب نشرشدهٔ محترم احمد فواد ارسلا